

## امیر آصفی: من به تماشاگر پرسپولیس بدهکار نیستم!

**منصور امیرآصفی از علل شکست پرسپولیس میگوید**

- در رختکن بین من وپروین هیچ برخوردی پیش نیامد**
- در مقایسه با سال گذشته هنوز چیزی را از دست نداده‌ایم**

طرفداران پرسپولیس، آنها این سؤال را بیش از

هزار بار تکرار کردند: «منصور خان، چسرا پرسپولیس شکست خورد؟» ما هم برای اینکه بدانیم امیر آصفی به طرفداران تیمش چه پاسخ داده‌است همین سؤال را با او مطرح ساختیم.

مربی تیم پرسپولیس که بسیار لاغرتر از آخرین بازی که او را دیده بودیم به نظر می‌رسید در پاسخ گفت: «من به تماشاگر پرسپولیس به هیچ وجه بدهکار نیستم که لازم باشد امروز در مقابل آنها متعهد باشم. تماشاگر پرسپولیس چه چیزی به تیم داده است؟ آنها وقتی پرسپولیس را تشویق می‌کنند که تیم پیش است و برحسب غالب، درحالی‌که در آن شرایط هرکس تیم برتر را تشویق می‌کند. تیم پرسپولیس وقتی به تماشاگر احتیاج دارد که از حریف عقب است. این تماشاگری که امروز خودش را مدعی میدان چه چیز به پرسپولیس داده است که امروز عوضش را می‌خواهد.

چنان بهانه‌ای به دست سردمداران بازیکن‌سالاری نوپای دهه پنجاه داد که منجر به اخراج‌اش شد. حتی اگر ساقه نازک‌اندام جان نحیف‌اش از درون منهدم می‌شد، تصمیم نداشت از برنامه‌های بلندمدتش صرف‌نظر کند اما پروپاگاندای سلطانان طلی سه ماه او را زمین زدند و باختن در دربی نیز مزید بر علت شد. به ویژه بعد از آن دربی سه–هیچ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۶ که سوت پایان داور آلمانی (شوایر) در حضور سی هزار تماشاگر حکم اخراج او به دست مافیا را رسماً کلید زد. در آن بازی نیروی جوان تاج با هدایت «مستر جیج» یوگسلاو، چنان اثر‌رژیک بود که به تیم میانسالان پرسپولیس به رهبری امیرآصف امان نداد. پسران آبی وقتی با گل محرم عاشری در دقیق پایانی نیمه اول جلو افتادند و در ۸ دقیقه پایانی بازی نیز با دوگل روشن و مراغه‌چیان شکست حتمی سرخ‌پوشان را امضا کردند تماشاگران طرفدار سرخ‌ها چنان هاج و واج بودند که باور نمی‌کردند تیم‌شان پیش از بازی در رختکن متلاشی شده است. چه کسی باور می‌کرد که مثلث زهردار دانایی‌فرد و روشن و مطبعی –که این آخری عین کنه به قلیچ چسبیده بود– رابطه بین خطوط تیمی قرمزها را این همه فشل کند؟ قلیچ آن سال با قرارداد صد هزارتومانی به پرسپولیس آمده و بزرگ‌ترین نقل و انتقال تاریخ فوتبال را رقم زده بود. او بعدها مدعی شد که با پیوستن شش‌ماهه به اردوی سرخ‌ها درصدد بوده با کمک لابی عبده، بتواند داستان ممنوع‌الخروجی‌اش را ردیف کرده و پاسپورتش را بگیرد دستش که برود به کنفدراسیونی‌های مقیم آمریکا بپیوندد و مبارزاتش را ادامه دهد اما برای امیرآصف مهم این بود که دو آس دوران تیم کیان (پروین و پرویز) را که هردو زیر پر و بال او و علی الهی پرواز آموخته بودند در اوج پختگی و تجربه و شهرت و کنار هم بنشاند و تیمی حمله‌ور و محبوب بسازد که امان از حریفان برآید. منصورخان با شکست ۳–صفر در مقابل تاج اندکی از جاه و جلال افتاد و هفته بعدش در ۲۴ اردیبهشت ماه ۵۶ از نیروی اهواز یک–صفر شکست خورد و گل حبیب شریفی آخرین میخ‌ها را به تابوت برنامه‌های بلندمدت او زد. شکست از اهوازی‌ها چنان سنگین بود که کیهان ورزشی تیت‌ر زد «پرسپولیس این همه تیره‌روزی را به یاد ندارد» و سوتیترش نشان از اوجگیری علنی توطئه‌ها برای زمین زدن امیرآصف داشت: «اختلافات میان پروین و امیرآصف بالا می‌گیرد». این نشریه در گزارشی از امجدیه‌ای که ۲۵ هزار تیفوسی پرسپولیسی منتظر جبران شکست از تاج بودند بازی با تیم خوزستانی را چنین تحلیل کرد: «برای پرسپولیس همچنان مصیبت از زمین و آسمان می‌بارد. حال و هوای این تیم همچنان نامطلوب و فضا برای نفس کشیدن تیم بسیار سخت شده است. پرسپولیس بعد از شکست یکشنبه پیش مقابل تاج، این بار با یک دگرگونی در بیشتر جبهه‌ها آمده بود تا با مغلوب کردن نیروی اهواز به وضع روحی خود سرو سامانی ببخشد و قوت‌قلبی به مشتاقان خود بدهد اما اگر در دیدار با تاج، پرسپولیس سزاوار شکست بود در دیدار با نیرو تنها یک حادثه بود که سرخ‌پوشان را وادار به قبول یک ناکامی دیگر کرد. نیروی هشیار توانست با یک بازی منطقی چنان عمل کند که از پرسپولیس تشنه پیروزی یک مغلوب بسازد. آنچه از نیرو ستودنی بود نظم بازی تیمی و روحیه اهوازی‌ها بود. انگار می‌دانستند که پرسپولیس با یک شکست از حریف دیرینه آنقدر خود را بازیابی نکرده است که در طول نود دقیقه بی‌اشتیه بازی کند. بدین ترتیب دومین شکست پرسپولیس در طول یک هفته شکل گرفت و این اتفاق هرگز در طول ۴ جام پیشین تخت‌جمشید برای این تیم رخ نداده بود.»

در حالی که پیچچه‌های جامعه فوتبال حکایت از این داشت که مافیای حاکم بر تیم پرسپولیس در پی زدن زیرآب امیرآصفی است کیهان ورزشی مصاحبه‌ای با منصورخان صورت داد و او در این گفت‌وگو علناً اعلام کرد که «من به تماشاگر پرسپولیس بدهکار نیستم». البته بزرگوارانه اذعان داشت که «در رختکن بین من و پروین هیچ برخوردی پیش

انطور که دلم می‌خواهد انجام دهم. مسلماً نتیجه

عالی نصیب تیم می‌شود. زیرا چنانچه پرسپولیس بیازد ضرر اصلی را من کرده‌ام که زندگی ورزشی‌ام در گرو این کار است.

**ماجرای برخورد با پروین**

می‌گویم اشاره به این مسأله گردید که متعهد کار می‌کند آیا مقصود اینست که قول قهرمانی داده‌اید و یا این که در ارجح تیم آزاد نیستید؟ مثلاً شایع است که قبل از شروع دیدار پرسپولیس–تاج بین شما و پروین بر سر گذاشتن ایرپالک در تیم اختلاف نظر شدیدی بروز کرد به این معنی

که شما ایرپالک را آماده نمی‌دانستید اما پروین اصرار داشته که او را به میدان بفرستید و سرانجام کار آنقدر بالا گرفته است که پروین تهدید کرده که بدون صفر به میدان نخواهد رفت

و عاقبت گروهی از بازیکنان یا در میانی می‌کند و خراب‌کنم و روی خرابه‌های تیم فعلی پرسپولیس، یکد تیم مدعی قهرمانی بنا کنما درست مثل اینکه شما یک‌ساختمان قدیمی را در اختیار گرفته باشید و از طرز بنای آن خوششان نیامده باشد، تنها راه اینست که آن ساختمان را فرو بریزید و نسبت به بنای مجدد آن اقدام کنید. حقیقت اینست که من از روزی که کار مربیگری تیم کیان را کنار گذاشتم تا به‌حال نتوانستم آن کاری را که دلم می‌خواهد در فوتبال باشگاه‌ها انجام دهم یعنی در واقع هیچ‌سوقت نتوانستم غیر متعهد کار کنم. اگر تماشاگران و یک مقدار هم آدم‌های اطراف تیم بگذراندن کارم را

می‌پرسم پس چرا نام صفراپیرپالک حتی جزو

ذخیره‌ها هم نبود؟

مربی تیم پرسپولیس جواب می‌دهد: «ایرپالک در دو یا سه بازی آخر پرسپولیس ضعیف بود بویژه اینکه از آن سرعت‌عمل که لازمه مقابله با تیم سربمی چون تاج است برخوردار نبود بنابراین ترجیح دادم در این بازی از بازیکنن سریع چون خردین استفاده کنم. و اگر مشاهده کردید که اسم او حتی در ردیف ذخیره‌ها هم نوده به این دلیل بود که متقدم بازیکنی مثل ایرپالک یا باید در زمین باشد یا حتی جزو ذخیره‌ها هم نباشد چون برای ده یا پانزده دقیقه بازی زانمهر را در اختیار دارم که در این موقع بسیار حتمر ثمر است.

**پرسپولیس در حد سال گذشته است**

می‌پرسم رویهم‌رفته دلیل شکست سه بر صفر در مقابل تاج را چگونه توجیه می‌کنید؟

منصور امیر آصفی در پاسخ می‌گوید: «در مجموع روحیه کم‌کاری چپسها دلیل اصلی شکست بود. اما ذکر این نکته ضروری است که تیم پرسپولیس نسبت به سال گذشته در شرایط بدتری نیست زیرا در سال گذشته از ۶۰ امتیاز ممکن ۳۵ امتیاز نصیب پرسپولیس شد یعنی حدود ۵۴ در صد از امتیازها را بدست آورد و امسال نیز تا بحال از ۱۶ امتیاز ممکن ۸ امتیاز کسب کرده است (این مصاحبه قبل از دیدار نیوز–پرسپولیس انجام شده) یعنی حدود ۵۰ درصد

ورزشی‌ام در گرو این کار است.»

خبرنگار کیهان‌ورزشی می‌نویسد: منظور تان از اینکه متعهد کار می‌کنید این است که در ارجح تیم آزاد نیستید؟ مثلاً شایع است که قبل از شروع بازی تیم‌تان با تاج در هفته قبل، بین شما و پروین در انتخاب صفر ایرانپاک برای ترکیب فیکس، اختلاف‌نظر شدیدی بروز کرده است. به این معنی که شما ایرانپاک را آماده نمی‌دانستید اما پروین اصرار داشته که او را به میدان بفرستید. سرانجام کار آنقدر بالا گرفته که پروین تهدید کرده که بدون صفر ایرانپاک به میدان نخواهد رفت و عاقبت گروهی از بازیکنان پادرمیانی می‌کنند و پروین را به میدان می‌فرستند. آیا این شایعه واقعیت دارد؟ امیر آصف می‌گوید: «از روزی که بنده پایم را در پرسپولیس گذاشته‌ام به هیچکس قول قهرمانی نداده‌ام اما موضوع مهم دیگر مسأله مهم دخالت بازیکن یا دیگران در ارجح تیم است که به شدت تکذیب می‌کنم چون من به هیچ قیمت اجازه نمی‌دهم بازیکن در کارم دخالت کند. مطمئن باشید اگر روزی این دخالت صورت گیرد از فردایش قادر نخواهم بود در تیم زندگی کنم. بنابراین مسأله رختکن ساخته ذهن شایعه‌سازهاست.»

امیر آصف در پاسخ به این سؤال که چرا در بازی با تاج اسم ایرانپاک در میان ذخیره‌ها هم نبود؟ می‌گوید: «او در دو، سه بازی اخیر تیم ضعیف ظاهر شده. به ویژه اینکه از آن سرعت‌عمل که لازم‌ه کار در مقابل تیم‌های سریعی چون تاج هست برخوردار نبود. من ترجیح دادم از بازیکن سریعی مثل خردین استفاده کنم. اگر دیدید که اسم ایرانپاک در میان ذخیره‌ها هم نبود از این جهت است که بازیکنی مثل او یا باید در زمین باشد یا حتی جزو ذخیره‌ها هم نباشد چون

برای ده، پانزده دقیقه پایان بازی نیز زانمهر را در نیمکت دارم که در این مواقع بسیار مؤثر است.» امیرآصف در قبال سماجت خبرنگار کیهان‌ورزشی در ریشه‌یابی دلایل شکست از تاج خاطر‌نشان می‌کند که: «در مجموع، روحیه کم‌کاری بچه‌ها دلیل اصلی شکست بود.» او خطاب به تماشاگران پرسپولیسی گفت: «اگر بپرسند چرا تیم ما ۵ سال پیش قهرمان شد اما امسال نمی‌شود باید گفت چرا ۵ سال پیش نپرسیدید که چرا به جای آشتیانی، وطنخواه، کلانی و بهزادی جانشین تربیت نمی‌کنید.» جمله‌ای پر از چرا، چرا، چرا و چراهای بسیار.

اوایل تابستان ۵۶بودکه باندپرسپولیسی‌های مخالف امیرآصف متشکل از پروین، حاجی‌رحیمی‌پور، اصغر ادیبی و الباقی شورشیان، محراب شاه‌رخ‌ی را نشان کرده و جوان‌ها را کوک کردند که امیرآصف را زمین بزنندو عمومحراب را جایگزین منصورخان کنند.بعداز شکست از نیروی اهواز باند حاکم که روی سکوها نشانده شده بودند در رختکنی را شکستند و خشمگینانه به مربی موقر خود حمله بردند تا بابت تصمیماتش در دو شکست از تاج و نیرو توضیح بخواهند. بیرون از رختکنی نیز تماشاگران تیفوسی علیه منصورخان موضع گرفته بودند. همان مثلث کیانی متشکل از پرویز و پروین و منصور که قرار بود تیم قرمزپوش را خوشبخت کند، باعث بیچارگی و فروپاشی‌اش شده بود. بعد از حمله باند حاکم به رختکنی وبقه‌درانی‌شان با مربی نجیب‌البته جوان‌هایی چون دادکان ومایلی‌کهن در برابر آنها ایستادند ومایلی موفرفری چنان از آن‌همه پلشتی متغیر شد که در همان رختکنی زارزار گریست. مربی نظم‌گرایی که حمید درخشان جغله‌بچه و کم‌سال را جای سلطان تیمش گذاشته بود، با شعار «علی حق تو خوردن، به جات بچه گذاشتن» با شورش تیفوسی‌ها مواجه شده بود. حالا دیگر مشخص شده بود که هیمنه امیر آصف شکسته است. حالا در این هیرو ویر استخدام رایکوف هم در پرسپولیس مورد بحث قرار گرفته بود اما باند پروین با آن مخالفت کرده و درصدد شده بود عمومحراپ خودمانی را با سلام و صلوات

**خبرنگار پرسیده بود امروز بعد از هشت هفته**

**زندگی با پرسپولیس حتماً توانسته‌اید به عیب**

**کار تیم‌تان پی ببرید. واقعاً عیب کار در کجاست؟**

**امیر آصف گفته بود: «هر کس که پرسپولیس**

**قدرتمند می‌خواهد باید صبر کند تا من این تیم را**

**خراب کنم و روی خرابه‌های تیم فعلی پرسپولیس**

**تیم جدیدی بنا کنم. درست مثل این است که**

**شما یک ساختمان قدیمی را تحویل گرفته باشید**

**و از طرز بنای آن خوش‌تان نیاید.**»

بیاورد تا سلامتی‌اش و جاننش را در راه تیم بگذارد اما او نیز در توطئه‌ای غریب، بایی احترامی تمام‌از جانب همین باند حاکم‌از رختکنی بیرون انداخته می‌شود. اگر امیرآصف آنقدر بزرگ بود که با خوشنامی تمام در متن فوتبال ایران ماند این شکست و طردشدگی و ضربه خوردن، محراب را روز به روز خودخو‌تر و خراب‌آلوده‌تر کرد و پیش از آنکه به پنجاه سالگی برسد، از درون پکید و ازدنیارفت.

سلطان سرخ‌ها در ۱۱ تیرماه ۱۳۵۶ در گفت‌وگویی با دنیای ورزش بعد از برکناری امیرآصف و آمدن محراب حرف‌هایی زد که غیرمستقیم موضوعات پشت‌پرده پرسپولیس را فاش می‌ساخت. پروین از بی‌تعصبی‌ها گلگی کرد و گفت: «در سال‌های اول تشکیل پرسپولیس اگر یک بازی را نمی‌بردیم، کسی نبود که گونه‌اش خیس نباشد اما حالا بعد از باخت‌ها خیلی راحت و انگار هیچ اتفاقی نیفتاده ساک‌شان را برمی‌دارند و به خانه‌شان می‌روند. شاید هم خیلی ناراضی نباشند که تیم باخته است.»

دنیای ورزش در مقدمه‌نویسی برای تغییر و تحولات پرسپولیس در همین شماره ۳۵۰ خود نوشته است: پروین کاپیتان پرسپولیس شاه‌مهره‌ای بوده که در طول سال‌های بازی فوتبالش همیشه جزو بهترین‌ها بوده و به لطف تکنیکش همین امروز بیشتر از همه سابقه بازی ملی دارد. او در نزول پرسپولیس هیچ عاملی را به اندازه بدشانسی‌های پی‌درپی مؤثر نمی‌داند و می‌گوید: «همه چیز دست به دست هم داد تا این وضع پیش آمد. از یک سو مهره‌های تازه‌ای به این تیم پیوستند که به هر حال تازه‌وارد بودند و احتیاج به زمان کافی داشتند تا در تیم به هماهنگی‌های لازم برسند. از بدشانسی‌مان این نیز را بگویم که ما در تمام بازی‌هایی که امتیاز از دست دادیم استحقاق آن را نداشتیم که شکست بخوریم. در عین برتری و در حالی که صاحب بخت‌هایی مکرر شده‌ایم تن به شکست یا مساوی داده‌ایم. به گمان من وضع مهاجمان ما هنوز روبه‌راه نیست. صفر ایرانپاک داشت راه می‌افتاد که او را یکی، دو بازی کنار گذاشتند و این موضوع در روحیه او در بازی‌های بعدی تأثیر گذاشت. در روز بازی با تاج هم که بازی نکرد آنطور به ما ضرر زد. ما هرچه می‌کشیم از خط‌حمله‌مان است که هنوز راه نیفتاده است. اگر به تیم

